

سرگیجه

۱	دریازة نویسنده کتاب
۳	پیش‌گفتار
۵	پیش‌گفتار نویسنده
۹	فصل اول: قدرت و آزادی
۳۱	فصل دوم: احزانی از احسان تاریکی: نگارش فیلمنامه
۶۱	فصل سوم: فیلمبرداری روزها
۱۰۰	فصل چهارم: مرحله پس از فیلمبرداری
۱۲۱	فصل پنجم: نمایش فیلم و مراحل بعدی
۱۲۷	فصل ششم: فراخوان به زندگی سرگیجه
۱۵۲	پس‌گفتار: ۲۷۹۵/۸۸۸ - نیفا - ۱/۱

دن اویلر

ترجمه

پرویز شفا - ناصر زراعتی

۱۵۲ - ۲۷۹۵/۸۸۸ - نیفا - ۱/۱



۱۵۷	پیوست ۱: مشخصات کامل فیلم و سرگرمی آن
۱۵۹	پیوست ۲: ویستاویژن
۱۶۱	کتاب‌شناسی

۸۸۲/۱: نانا پالو
مضامین ۲۰۰۲: نانا پالو
ناله ۲۰۰۶: نانا پالو
ژانر: نانا پالو
شماره پنجم: نانا پالو

۱۵۷	روزهای
۱۵۹	روزهای
۱۶۱	روزهای

انتشارات هرمس
۲۷۹۵/۸۸۸ - نیفا - ۱/۱

فهرست

۱	درباره نویسنده کتاب
۳	پیش‌گفتار
۵	پیش‌گفتار نویسنده
۹	فصل اول: قدرت و آزادی
۳۱	فصل دوم: اصواتی از اعماق تاریکی: نگارش فیلمنامه
۶۱	فصل سوم: فیلمبرداری رؤیا
۱۰۱	فصل چهارم: مرحله پس از فیلمبرداری
۱۲۷	فصل پنجم: نمایش فیلم و مراحل بعدی
۱۴۷	فصل ششم: فراخوان به زندگی: «سرگیجه» ترمیم می‌شود
۱۵۳	پس‌گفتار

پیوستها

۱۵۷	پیوست ۱: مشخصات کامل فیلم «سرگیجه»
۱۵۹	پیوست ۲: ویستاویژن
۱۶۱	کتاب‌شناسی

پیش‌گفتار

هر بار سرگیجه را می‌بینم، بیشتر به دلم می‌نشیند و بر من اثر می‌گذارد. تمامی کیفیتهای ارزشمندی که فکر می‌کنیم قهرمانان باید داشته باشند - اصول اخلاقی، برازندگی، مهربانی، فراست و خردمندی - از شخصیتی که جیمز استوارت نقش او را در فیلم بازی می‌کند، بتدریج دور می‌شوند تا اینکه می‌بیند در برج ناقوس کلیسا، با زنگهایی که پشت سرش به صدا درمی‌آیند تنهاست، و هیچ چیز دیگری جز انسانیت نشان داده نمی‌شود. در مورد تک‌تک جنبه‌های سرگیجه، می‌توان کتابها نوشت. ظرافت و کیفیت بی‌نظیر و فوق‌العاده بصری آن، زمانی که لایه‌های روح و روان شخصیتها را انگار با تیغ تیزی برش می‌دهد، ابهامها و لحظه‌های بسیار شاعرانه لطیف و هوشمندانه، استفاده چشمگیر و اضطراب‌آور از رنگ، اجرای فوق‌العاده نقشها توسط جیمز استوارت و کیم نوواک (اجرای نقشها بسیار جسورانه و شکوهمند و از لحاظ عاطفی بی‌واسطه است) و همچنین اجرای باربارا بل‌گدیس^۲ را باید یادآوری کرد، که معمولاً نادیده یا لاقلاً دست‌کم گرفته شده است و بدون اشاره به سکانس حیرت‌آور آغاز فیلم که سال بس^۳ آن را ساخته، یا موسیقی متن زیبای برنارد هرمن^۴ که احساسی از غم دارد و هر دو بی‌هیچ تردیدی برای راهیابی به عمق روح و روان و قدرت فیلم سرگیجه اساسی و ضروری‌اند، نمی‌توان و نباید بدون اشاره گذشت.

البته، هنوز هم ما ساخته‌هرمان را، با وضوح و بُرد بسیار

مشکل بتوانم بگویم فیلم سرگیجه^۱ چه معنایی برای من فیلمساز و دوستدار سینما دارد. این همان چیزی است که در مورد همه فیلمهای بزرگ، فیلمهای واقعاً بزرگ صدق می‌کند، مهم نیست چقدر درباره آنها گفته یا نوشته شده باشد، سخن گفتن در مورد فیلمهای بزرگ همیشه ادامه خواهد یافت. از آنجا که فیلمی به بزرگی سرگیجه بیش از تحسین صرف می‌طلبد، پس برای پی بردن به ظرافتهای آن واکنشی شخصی لازم است. منحصر به فرد بودن سرگیجه از هر نظر، ویژگی و بهانه خوبی است برای آغاز سخن. سرگیجه هیچکاک، به منزله یک فیلم هالیوودی، موقعیتی یکتا و بی‌نظیر دارد. در واقع، فقط یکتا و بی‌نظیر است، همین. اثری است شخصی، با نگرشی بی‌نظیر، اضطراب‌آور و هراس‌انگیز از دنیا که از درون نظام استودیویی هالیوود سربرآورده؛ آن هم زمانی که چنین نگرشی نه تنها غیرمتعارف، بلکه تقریباً غیرقابل تصور می‌نمود. سرگیجه از نظر من و بسیاری از هم‌دوره‌های من، فیلمی نمونه بود، هست و خواهد بود، زیرا به ما نشان داد چگونه می‌توان در بطن یک نظام به کار پرداخت و همزمان، اثری عمیقاً شخصی پدید آورد.

سرگیجه برای من، اهمیت هم دارد (شاید صفت‌های «لازم» و «ضروری»، بهتر از «مهم» حق مطلب را ادا کنند)، زیرا قهرمانی دارد که صرفاً با وسوسه ذهنی خاصی پیش رانده می‌شود. در فیلمهای خودم نیز، همیشه قهرمانانی را دوست داشته‌ام که با وسوسه ذهنی برانگیخته می‌شوند و در این سطح،